

گسترش استفاده از کامپیوتر و بعد هم عمومیت اینترنت، آکادمی‌های علوم ارتباطات نیز وارد این بحث شدند. آنچه که تاکنون به عنوان تئوری رایج یا متعارف در این عرصه شناخته می‌شود نظریه دموکراسی الکترونیکی (Electronic Democracy) است.

دموکراسی الکترونیکی مانیفست نظریه پردازانی شد که عرصه مجازی نشر اطلاعات و بحث و تبادل نظر در رسانه‌های الکترونیکی را فرم جدیدی از تمرین دموکراسی پارلمانی در جوامع پیشرفته دانسته و می‌دانند. مبلغان این نظریه هیچ‌گاه از چهارچوب‌های همان مفهوم «ارتباطات سیاسی» که مبتکر آن دولت بود، پا فراتر نگذاشتند. از نظر آنها حضور شهروندان در این عرصه فقط به مشارکت در مباحث و بهره‌وری از دریافت اطلاعات محدود می‌شود و اقدام سیاسی مستقیم یا هر گونه حرکتی خارج از چهارچوب‌های پارلمانی در آن جایی ندارد.

خلاصه کلام، رسانه الکترونیکی یک وسیله ارتباطی است نه ابزار اقدام یا سازمان‌گری. برای دست یافتن به مباحث و یا اطلاعاتی در مورد جنبه‌های دیگر استفاده مدنی از رسانه‌های جدید، یعنی آنجایی که پای اقدام در میان است و لزوماً به کارکردهای پارلمانی محدود نیست، باید عرصه علوم ارتباطات را ترک کرد.

دو زمینه مشخص از تحقیقات که به اقدام‌های مستقیم در عرصه رسانه‌های الکترونیکی می‌پردازد یکی جنگ اطلاعاتی (Infowar) و دیگری نافرمانی‌های مدنی الکترونیکی (Electronic Civil Disobedience) است. تحقیقات و آثار مربوط به زمینه اول یعنی جنگ اطلاعاتی، اساساً کار محققانی است که مستقیم یا غیر مستقیم برای دستگاه ضد اطلاعات دولت آمریکا کار می‌کنند و مضامین تحقیقات آنها امنیت در شبکه اینترنت است. جوهره تحقیقات آنها این است که شبکه‌های کامپیوتری به نقاط ضعفی برای تهاجم نیروهای متخاصم بدل شده‌اند و برای کاهش احتمال و خطرات جنگ اطلاعاتی باید اقدامات مشخصی در دستور کار قرار بگیرد. تمامی این تحقیقات از زاویه منافع و دیدگاه دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ اقتصادی تنظیم شده است، یعنی همان‌ها که بیش از همه از دخالت و اقدام مستقیم مردم هراس دارند. اما در زمینه نافرمانی مدنی الکترونیکی تحقیقات و آثار کمتری به چاپ رسیده است. دلیل آن خیلی ساده این است که مبتکران و نیروهای فعال در این عرصه از منابع لازم برخوردار نیستند. ولی آنچه که به طور خلاصه در مورد آن می‌توان گفت این است که این نوع فعالیت‌ها در عرصه مجازی رسانه‌های الکترونیکی، روش‌های اصلی اقدام خود را که شامل مسدود کردن گذرگاه‌ها، تهاجم و تصرف اماکن و از کار انداختن فعالیت‌ها می‌شود، از جنبش سنتی نافرمانی مدنی به عاریه گرفته‌اند. مسدود کردن انتقال و سیر گردش اطلاعات در شبکه‌ها، از کار انداختن صفحات و سایت‌های کامپیوتری و با نفوذ در گنجینه‌های اطلاعاتی مراکز کامپیوتری، رایج‌ترین روش‌ها برای نافرمانی مدنی در عرصه رسانه‌های الکترونیکی است.

زمینه‌های شکوفائی و عرصه‌های بروز

قانون‌مندی متوسل شدن به روش‌هایی که آن را نافرمانی مدنی الکترونیکی می‌خوانیم در کلیت خود تفاوت چندانی با توسل به نافرمانی مدنی در دهه‌های

پیشین ندارد. وقتی که کارکردهای مرسوم و «متعارف» در یک چهارچوب و واحد اجتماعی ظرفیت پاسخ‌گویی به یک نیاز یا برنامه مشخص را نداشته باشد، نیروهایی که خواهان آن هستند از رسوم متعارف فراتر می‌روند. سرخوردگی از یک نهاد سیاسی یا مدنی یا بی‌اعتمادی کامل به سیستم رایج سیاسی در یک مقطع خاص باعث می‌شود که شهروندان به جای رأی دادن و پذیرش محدودیت، خود این محدودیت را به مبارزه به طلبند. در کنار جوشش‌های موردی از نافرمانی مدنی الکترونیکی ما شاهد رشد استفاده از این روش مبارزاتی توسط گروه‌ها و جنبش‌های با سابقه و نسبتاً پایداری بوده‌ایم که همراه با پیشرفت تکنولوژی، دامنه فعالیت خود را که فی‌الفسه مضمون اعتراضی و خصوصیت نافرمانی دارد به عرصه رسانه‌های الکترونیکی گسترش داده‌اند. مبارزات تک محوری مثل جنبش دفاع از محیط زیست، جنبش‌های ضد جهانی شدن سرمایه‌داری، مبارزات نژادی و مدافعان حقوق اقلیت‌های قومی و برابری جنسی همه از این عرصه جدید برای تبلیغ و سازمان‌گری استفاده می‌کنند. و به این فهرست باید نیروهای سیاسی و به‌خصوص جنبش‌های رهائی بخش مثل نمونه فلسطین و یا جنبش‌های توده‌ای از قبیل زاپاتیست‌ها در مکزیک را نیز افزود.

همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد طبیعت اقداماتی که در عرصه رسانه‌های الکترونیکی پسوند نافرمانی مدنی را حمل می‌کنند می‌تواند متفاوت باشد و بنابراین غلظت عنصر نافرمانی نیز در آنها گوناگون است. ولی همه آنها یک خصوصیت مشترک دارند و آن فراتر رفتن از مرزهای مرسوم در کارکرد شبکه‌های کامپیوتری است. این فراتر رفتن می‌تواند به معنای عبور از مرزهای مجازی شبکه‌ها و یا مختل کردن کارکرد آنها باشد و یا ایجاد شبکه و صفحات جدید با توانائی و ظرفیت‌ها و قائل شدن حقوق و وظایفی برای آنها که با قواعد حاکم و محدودیت‌های شبکه‌های کامپیوتری در مفهوم «متعارف» آن در تناقض است.

به عنوان مثال در ماه مه سال ۱۹۹۸ میلادی، در جریان یک مورد که بزرگ‌ترین نمونه از رخنه در شبکه‌های اطلاعاتی کامپیوتری تا آن زمان بود، یک جوان که مخالف سلاح‌های هسته‌ای است و تحت عنوان یا با نام مستعار «بپ» شناخته می‌شود در یک عملیات چند ثانیه‌ای، تصاویر و متن‌هایی در افشای سلاح‌های هسته‌ای را روی بیش از ۳۰۰ صفحه اطلاع‌رسانی کامپیوتر قرار داد. هوارداران جنبش زاپاتیست‌ها نیز از همین روش رخنه، حذف و یا افزودن اطلاعات مورد نظر روی صفحات اطلاع‌رسانی شبکه کامپیوتری دولت مکزیک استفاده کرده‌اند. و یا باز گروه دیگری که خود را نمایش‌خانه نافرمانی الکترونیکی می‌نامند (Electronic Disturbance Theater) با استفاده از روشی تا حدی «قانونی‌تر» علیه دولت مکزیک وارد عمل شدند. آنها یک نرم‌افزار خاص ابداع کرده‌اند به نام Flood Net که این امکان را فراهم می‌کند که گروه‌های بزرگ‌تر از لحاظ تعداد شرکت‌کنندگان، به طور مستمر و یا همزمان برای مسدود کردن کار شبکه‌های کامپیوتری دولتی وارد عمل شوند. و یا گروه دیگری در مکزیک روی شبکه اینترنت یک راه‌پیمایی مجازی را علیه دولت سازمان داد.

البته اقدامات مستقیمی که تاکنون در عرصه اینترنت روی داده‌اند، به‌خصوص آنهایی که هدفشان دخالت دادن جمعیت وسیع‌تری در این